



التهاب ارزی، فشارهای داخلی و خارجی

پاشنه آشیل سیاست ها و برنامه های اقتصادی دولت نهم و دهم را می توان در تنظیم سیاست های درست ارزی قلمداد کرد چه اینکه اکنون همه شاهد از دست رفتن یکی از مهمترین دستاوردهای اقتصادی دولت اصلاحات برای تک نرخی کردن ارز و از میان برداشتن رانت های ارزی هستند. خطای جدی دولت نخست این بود که حکم برنامه های چهارم و پنجم توسعه برای اصلاح نرخ ارز بر مبنای میانگین نرخ تورم داخلی و خارجی را نادیده گرفت و سرمست از درآمدهای سرشار نفتی هرگز به اجرای حکم قانونی برای واقعی کردن نرخ ارز تن نداد. خطای جدی تر دولت این بود که وقتی فشارها و تنگناهای ناشی از تحریم ها به طور مستقیم درآمدهای نفتی و نقل و انتقالات ارزی را هدف قرار داد، در یک مقطع این تهدید را جدی نگرفت و در حالی که نرخ ارز مدام در نوسانات شدید سیر می کرد، به جای واقع بینی و عده ارزان سازی ارز داده شد تا آنجا که اعتماد افکار عمومی به عده ها و گفته های ارزی دولتمردان و مسئولان به تدریج کم شد و در مقطع زمانی دیگر که دیگر تک نرخی کردن ارز به یک رویای از دست رفته تبدیل شده بود، باز هم تلاش نکردند تا مدیریت بازار ارز را جدی تر بگیرند و به جای سوق دادن به موقع بخشی از تقاضاهای ارزی غیر ضرور به سمت بازار آزاد تنها تلاش ها معطوف به دستکاری در مقررات ارزی و صدور بخشنامه های متعدد شد که نه تنها بر التهاب ها افزود و آرام آرام فضای کسب و کار هم تحت تاثیر این نوسان در تصمیم گیری ها گرفتار آزمون و خطا در تصمیم گیری ها شد. البته نباید از دایره انصاف خارج شد که تحریم ها هم مدام تشدید شد و در این جنگ ارزی نابرابر تولد

مرکز مبادلات ارزی تدبیری بود دیر هنگام و البته با کارایی نسبتاً قابل تامل. انباشت تقاضاهای ارزی در مرکز مبادلات ارزی و عدم تقویت منابع ارزی این مرکز از سوی دیگر و دیگر چالش های ناظر بر آن باعث شد تا نه تنها از مبادله ای باعث فروکش کردن نرخ ارز در بازار آزاد نشود که در عمل وضعیت سه نرخی ارز در اقتصاد ایران شکل بگیرد و دو حالت تها را می که در سال آینده مطرح است حذف ارز مرجع یا همان دلار ۱۲۲۶ تومانی و مینا قرار گرفتن نرخ ارز مبادلاتی برای تقاضاهای تجاری و بازرگانی و خدماتی دارای اولویت و ضرورت و مدیریت فعالیت های سفته گرایی ارز در بازار ارز است اما اینکه آیا سیاست منع خرید و فروش آزاد ارزی می تواند راهگشا باشد، پرسشی که پاسخ قطعی و موفقیت آمیز برای آن نمی توان یافت و این سیاستی که نتیجه آن ممکن است عکس آن چیزی باشد که مدنظر سیاست گذاران اقتصادی کشور است.

اقتصاد ایران در سالی که گذشت

اقتصاد ایران با بر خورداری از ظرفیت های بالقوه بسیار و تمرین دیده در برابر فشارهای اقتصادی و سیاسی بسیار سال ۱۳۹۱ را بایکی از بزرگترین تهدیدها و تنگناها پشت سر گذاشته و برخی از اثرات این شرایط در سال جدید هم نمایان خواهد شد. شاید و رای شدت و حدت اثرات ناشی از تحریم ها این پرسش مطرح باشد که آیا تدابیر اقتصادی دولت متناسب با تحریم ها بوده است؟ واقعیت این است که هر چند اقتصاد ایران در برابر تحریم ها تا اندازه زیادی واکنش داده اما جنس و ماهیت تحریم های جدید را باید یک جنگ تمام عیار برای تسلیم کردن مردم ایران و دست کشیدن آنها از حقوق مسلم هسته ای شان دانست و از این منظر ضرورت دارد

تا به یکی از کلیدی ترین مولفه های اقتصادی مورد انتظار فراتر از شعارها فکر کرد و آن مقاوم کردن پایه های اقتصادی ایران و بازگرداندن اعتماد کمرنگ شده به سیاست های اقتصادی کشور است که مصداق آن را می توان در ریل گریزی دانست. اقتصاد ایران نیاز دارد تا از مصرف غیر ضرور خود را خلاص سازد، بودجه جاری کشور به شدت انقباضی شود و بودجه عمرانی هم اولویت بندی شده تخصیص یابد. اقتصاد ایران در سالی که گذشت با التهاب های ارزی ساخت و البته آسیب هم دید، تولید ملی به روایت آمارهای رسمی تقویت نشد، رشد اقتصادی مطلوب نبود، اشتغال نیازمند حمایت است و مهم تر این که باید نقدینگی مازاد را به هر قیمت ممکن کنترل کرد و به سمت تولید ملی سوق داده شود. آنچه مهم است برقراری ثبات ارزی و ایجاد تعادل در بازارها و فعالیت های اقتصادی است و نباید اجازه داد تا در دسره های اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۱ در سال جدید نهادینه و مزمن شود و از این منظر شاید این سوال مطرح شود که چشم انداز اقتصادی ایران در سال آینده چگونه خواهد بود؟

اقتصاد ۹۲ و درس هایی از گذشته

به نظر می رسد اقتصاد ایران دست کم در سال آینده به توجه بیشتری نیاز دارد چرا که به واسطه تغییر دولت ممکن است فعالیت های اقتصادی دچار نوسان و رکود شود، کمبود نقدینگی و رکود توام با تورم این رکود را تشدید کند، نوسانات ارزی و دشواری های تجاری فضای کسب و کار را باز هم ملتهب تر سازد و فشار های خارجی باز هم تشدید شود به ویژه اینکه در بودجه سال آینده دولت دیگر خبری از ولخرجی در هزینه کرد پول نفت نیست. مقاوم سازی اقتصاد ایران در سال آینده برای خنثی سازی و یا کند کردن فشار تحریم ها در گرو درس گرفتن از خطاهای گذشته است. بدون شک نمی توان نسخه ای تک خطی برای برون رفت از تنگناها و چالشهای اقتصادی کشور تجویز کرد و به این انتظار نشست که در دسره های آینده فروکش خواهد کرد. تامل در ضرورت های اقتصادی ملی که محور را می توان در نامگذاری سال های اخیر جستجو کرد و بخشی از راهکارهای آن در گرو تن دادن به الزامات بهبود فضای کسب و کار، کنترل نقدینگی، رونق تولید ملی، ثبات در بازار ارز و... خواهد بود، به خلق فرصت های جدید اندیشید. مهم این است که سیاست گذاران اقتصادی و مسئولان ارشد سیاسی نظام دست از اختلاف ها برداشته و بپذیرش برخی خطاها در جهت گیری اقتصادی کشور در سالهای اخیر قطار پیشرفت و توسعه را به ریل سیاست ها و برنامه های کارشناسی برگردانند و ریل گریزی مردم را دست کم نگیرند. اقتصاد ایران در سال آینده تنها به یک مهم نیاز دارد؛ اعتماد ملی به اقتصاد ملی.

